

تأثیر تهدیدهای گروه‌های سلفی - تکفیری بر امنیت هستی‌شناختی ج.ا.ا.

علی آدمی

استادیار دانشگاه علامه طباطبایی

رضا نیک نام*

دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی

چکیده

بحران‌های سیاسی در کشورهای عربی که از آن‌ها به‌عنوان بهار عربی یاد می‌شد، نه تنها به استقرار حکومت‌های دموکراتیک در منطقه ختم نشد؛ بلکه منجر به پیدایش و گسترش گروه‌های سلفی - تکفیری گردید. این گروه‌ها، از شمال و شاخ آفریقا تا آسیای مرکزی در کشورهای منطقه پدیدار گشتند و به جذب نیرو پرداختند. با توجه به اینکه سوریه و عراق در کانون این بحران‌های تروریستی قرار گرفتند، تهدیدهای گروه‌های تروریستی بیش از پیش برای ج.ا.ا. نمایان گشت. بنابراین عوامل گوناگونی به‌عنوان علت اصلی این تهدیدها مطرح شدند. مهم‌ترین پرسش پژوهش حاضر این است که؛ علت اصلی تهدید گروه‌های سلفی - تکفیری بر ضد امنیت ج.ا.ا. چیست؟ فرضیه پژوهش با یاری جستن از چارچوب مفهومی امنیت هستی‌شناختی، اینگونه به پرسش علمی پاسخ می‌دهد که ناامنی هستی‌شناختی علت اصلی تهدید گروه‌های سلفی - تکفیری بر ضد امنیت ج.ا.ا. است. زیرا رشد گروه‌های سلفی - تکفیری با برهم زدن روبه‌های روالمند (Routine) سیاست خارجی ج.ا.ا. در منطقه، امنیت هستی‌شناختی ج.ا.ا. را با تهدید روبه‌رو ساخته است.

واژگان کلیدی: امنیت هستی‌شناختی، تهدید، گروه‌های سلفی تکفیری، جمهوری اسلامی ایران، سیاست خارجی

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۸/۱۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۱۰/۲۱
نویسنده عهده‌دار مکاتبات: r.nicknam@gmail.com

مقدمه

از آغاز بحران‌های تروریستی در سوریه، از سال ۲۰۱۱ م، بیش از ۵۵۴۶ گروه تروریستی مخالف حکومت بشارالاسد اعلام موجودیت کرده است. برخی از این گروه‌ها، دست به ائتلاف زده و جبهه‌های بزرگتری را تشکیل داده‌اند. از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به «داعش» یا «دولت اسلامی عراق و شام»، (ISIS)، «جبهه‌ی اسلام» (Islamic Front (IF)) و «جبهه انقلابیون سوریه» (Syrian Revolutionaries' Front) و «جیش‌المجاهدین» (Jaysh al-Mujahedeen) اشاره کرد. (The Carter Center, 2014)

علاوه بر وجوه افتراق این گروه‌ها که بر مسائل تشکیلاتی و اولویت‌های مبارزاتی آن‌ها متمرکز می‌شود، مهم‌ترین نقطه اشتراکشان اقدام به جنایات گسترده با توجیحات دینی است. آن‌ها با استناد به روایت‌های افراطی از اسلام، دست به جنایات بسیاری بر ضد شیعیان، غیرمسلمانان و حتی دیگر فرقه‌های اهل تسنن زده‌اند.

همزمان با پیدایش گروه‌های تروریستی سلفی - تکفیری در کشورهای عراق و سوریه، که بخش مهمی از محور مقاومت محسوب می‌شوند و از اهمیت ویژه‌ای برای ج.ا.ا. (جمهوری اسلامی ایران) برخوردارند، در تهران نیز نگرانی از گسترش آن‌ها افزایش یافت. این گروه‌ها به یک تهدید علیه امنیت ملی تبدیل شدند و ایران در صدد مقابله با آن‌ها برآمد. با این وجود، درباره اینکه به چه دلیل، گروه‌های سلفی - تکفیری در زمره تهدیدات امنیتی ج.ا.ا. محسوب می‌شوند، بسته به اینکه از منظر کدام رویکرد امنیتی به این مسأله بنگریم، اختلاف نظر وجود دارد.

پژوهش حاضر تلاش می‌کند با یاری جستن از مفهوم امنیت هستی‌شناختی که از روانشناسی سیاسی به حوزه روابط بین‌الملل وارد شده است به این پرسش پاسخ دهد. بنابراین ابتدا به بررسی سیر تحول مفهوم امنیت هستی‌شناختی، به یک رویکرد امنیتی خواهد پرداخت. سپس شرایطی که یک کشور خویش را از نظر هستی‌شناختی، امن یا ناامن می‌یابد را در نظر خواهد گرفت. آنگاه با بررسی رویه‌های روالمند سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در سه بخش، چالش‌هایی که پیدایش و گسترش گروه‌های تروریستی سلفی - تکفیری برای آن‌ها ایجاد کرده است را بحث و بررسی و در نهایت به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری می‌پردازد. اما پیش از ورود به بحث لازم است به برخی از آثار مشابه در این حوزه اشاره شود و جنبه‌های نوآورانه این مقاله ذکر شود.

بررسی تهدید گروه‌های سلفی - تکفیری از وجوه مختلفی صورت گرفته است. عباس قیداری در یادداشتی با عنوان آیا ایران نگران تهدید داعش در مرزهاست؟ به پیشروی‌های داعش تا نزدیکی مرزهای ایران پرداخته و به ضعف‌های دفاعی ایران برای مقابله با چنین تهدیدی اشاره کرده است. (Qaidaari, 2015) ابراهیم متقی در مقاله گونه‌شناسی تهدیدهای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، به ویژگی‌های تهدیدهای اصلی فراروی ج.ا.ا. در سال‌های اولیه انقلاب و دوران

جنگ تحمیلی پرداخته است. به همین دلیل، ضمن اینکه تهدیدها را به دو دسته کلی؛ تهدیدهای سخت بر ضد ساختار سیاسی و تهدیدهای نرم برای فرسایش ملی تقسیم می‌کند، اما هنوز بررسی در خصوص تهدید امنیتی گروه‌های تروریستی سلفی - تکفیری انجام نداده است. (متقی، ۱۳۸۹، صص ۲۸-۵) ابراهیم متقی و مسعود محمد حسینی در مقاله *فرصت‌ها و تهدیدات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در قبال دولت-ملت سازی آمریکا در عراق*، با استفاده از مفاهیم امنیتی موجود در نظریات جریان اصلی روابط بین‌الملل همچون رئالیسم، لیبرالیسم و جهان سوم سعی می‌کنند، فرصت‌ها و تهدیدهای حاصل از سرنگونی صدام و شکل‌گیری دولت جدید در این کشور برای امنیت ملی ج.ا.ا. را مورد بررسی قرار دهند. (متقی و محمدحسینی، ۱۳۹۱، صص ۴۶-۹) محمد رحیم عیوضی در مقاله جهانی شدن و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی می‌کوشد تا تأثیر جهانی شدن را بر امنیت ملی ج.ا.ا. بررسی کند. (عیوضی، ۱۳۸۲، صص ۱۵۱-۱۳۶)

کیهان برزگر در مقاله *ایران، خاورمیانه و امنیت بین‌الملل*، به بررسی جایگاه ایران در نظام امنیت منطقه و بین‌الملل می‌پردازد و با توجه به سرنگونی رژیم بعث در عراق، تحولات بین‌المللی و منطقه‌ای پس از ۱۱ سپتامبر، جایگاه ژئوپولیتیک و ایدئولوژیکی ج.ا.ا. به این نتیجه می‌رسد که فرصت مناسبی برای تثبیت قدرت منطقه‌ای ایران فراهم آمده است. (برزگر، ۱۳۸۷، صص ۶۶۶-۶۵۳). کیهان برزگر و مهدی قاسمی در مقاله *استراتژی تهدید وجودی اسرائیل و امنیت ملی ایران به دنبال ریشه‌های اتخاذ استراتژی تهدید وجودی خواندن ایران از سوی اسرائیل و پیامدهای آن بر امنیت ملی ایران هستند*. بدین منظور از نظریه‌های سازه‌نگاری و رویکردهای امنیتی موجود در رئالیسم تدافعی و تهاجمی بهره می‌گیرند. (برزگر و قاسمی، ۱۳۹۲، صص ۱۹۸-۱۶۹). مقصود رنجبر در مقاله *تهدیدات اسرائیل علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*، این تهدیدات را به دو سطح تهدیدات مستقیم و غیرمستقیم تقسیم می‌کند و عواملی چون سیاسی، نظامی، تبلیغی، روابط استراتژیک اسرائیل با آمریکا و کشورهای همسایه ایران را در آن‌ها قرار می‌دهد. (رنجبر، ۱۳۸۲، صص ۲۵۲-۲۳۳) این مقالات با اینکه به مسأله امنیت ج.ا.ا. پرداخته‌اند اما به این دلیل که از مفاهیم فیزیکی امنیت بهره جسته‌اند، با مقاله پیشرو از نظر چارچوب مفهومی مورد نظر تفاوت دارند.

با این حال، استفاده از چارچوب مفهومی امنیت هستی‌شناختی برای بررسی موضوعات امنیتی نیز پیش از این صورت گرفته است. سید جلال دهقانی فیروزآبادی در مقاله‌ای با عنوان *امنیت هستی‌شناختی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، انگیزه و علت اصلی رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را مورد مطالعه قرار داده و تلاش می‌کند تا دلیل و انگیزه رفتار سیاست خارجی ج.ا.ا. را بر مبنای نظریه امنیت هستی‌شناختی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. سپس به این نتیجه می‌رسد؛ علت این رفتار، نگرانی از بابت حفظ هویت ج.ا.ا. به عنوان یک دولت اسلامی است. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸، صص ۷۶-۴۱) سید جلال دهقانی فیروزآبادی

و وحید نوری در مقاله امنیت هستی‌شناختی در سیاست خارجی دوران اصولگرایی، به بررسی علت تغییر در رویکرد سیاست خارجی ج.ا.ا در دوران اصول‌گرایی و دیپلماسی هسته‌ای در این دوره می‌پردازند. این پژوهش بدین نتیجه می‌رسد که فاصله گرفتن از آرمان‌های اولیه انقلاب و ارزش‌های اسلامی طی شانزده سال پیش از دوران اصول‌گرایی زمینه‌های ناامنی هویتی سیاست-گذاران اصولگرا را فراهم آورده و این تغییر رفتار را ایجاد کرده است. (دهقانی فیروزآبادی و نوری، ۱۳۹۱، صص ۱۸۰-۱۴۹)

دهقانی فیروزآبادی و وهاب‌پور در کتاب امنیت هستی‌شناختی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز پس از بررسی چارچوب نظری امنیت هستی‌شناختی، به مؤلفه‌های هویت‌ساز برای ج.ا.ا می‌پردازند. سپس این چارچوب، روشی را در مواردی چون رفتار سیاست خارجی ج.ا.ا در دوران دفاع مقدس، منازعه ایران و آمریکا، سیاست هسته‌ای ایران و سیاست خارجی ج.ا.ا را بررسی می‌کند. (دهقانی فیروزآبادی و وهاب‌پور، ۱۳۹۲) سعید ساسانیان در یادداشتی با عنوان تحولات منطقه از منظر امنیت هستی‌شناختی گیدنز، نزدیک‌ترین بررسی را به مقاله پیش-رو چه از نظر چارچوب مفهومی و چه از نظر حوزه مطالعاتی انجام داده است. با این حال، یادداشت وی به بررسی دقیق چارچوب مفهومی امنیت هستی‌شناختی در حوزه مطالعات امنیتی نپرداخته است و تنها به نظریات گیدنز که مفهوم امنیت هستی‌شناختی را از سطح فردی به سطح اجتماعی تعمیم داده، اکتفا کرده است. از سوی دیگر با اینکه موضوع مورد مطالعه این یادداشت، منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا که منطبق بر حوزه رشد گروه‌های سلفی - تکفیری است؛ اما ساسانیان به بررسی این گروه‌ها و تهدیدهای آنها نپرداخته و به خطر افتادن مسائل هویتی کشورهای منطقه را به عنوان انگیزه اصلی ایشان در واکنش به دولت‌هایشان مد نظر قرار می‌دهد. (ساسانیان، ۱۳۹۰) با این وجود؛ این آثار نیز از این حیث که به تهدید گروه‌های سلفی - تکفیری از منظر امنیت هستی‌شناختی نمی‌پردازند، با مقاله حاضر تفاوت اساسی دارند.

به عبارت دیگر؛ مقاله حاضر از این نظر که برای نخستین بار از چارچوب مفهومی امنیت هستی-شناختی به مسأله تهدیدهای امنیتی گروه‌های سلفی - تکفیری می‌پردازد، دارای نوآوری است. اما مقالات پیشین از منظر امنیت فیزیکی به تهدیدهای امنیتی گروه‌های سلفی - تکفیری پرداخته-اند و آثاری هم که از مفهوم امنیت هستی‌شناختی بهره جستند، به بررسی موردی تهدیدهای امنیتی آنها نپرداخته‌اند.

امنیت هستی‌شناختی

امنیت هستی‌شناختی به عنوان یک رشته مطالعاتی یک تاریخ پنجاه ساله دارد و از ورود آن به مطالعات امنیتی بیش از چهار دهه می‌گذرد. اما سرچشمه آن از روانپزشکی است؛ جاییکه چند پرسش به عنوان یک چالش کلیدی مورد بررسی قرار می‌گیرد. برخی از این پرسش‌ها عبارت‌اند

از؛ چگونه برخی افراد گاهی اوقات با حسی سرشار از خود تلاش می‌کنند؟ چطور ممکن است که آن‌ها زندگیشان را در شرایطی از ناکامی در اجرای معمول رویه‌های روالمند به خاطر دلواپسی - های عمیق روایت کنند؟ چطور ممکن است که آن‌ها به صورت بازتابنده مکانیسم کنار آمدن را تولید کنند؟ چطور احساسات و رفتارشان بر حس باارزش بودنشان تأثیر بزرگی دارد؟ این عناصر و پرسش‌ها که تصویری از فردی که از لحاظ هستی‌شناختی خود را امن می‌یابد، نشان می‌دهد و بطور عمده در کار آر. دی. لاینگ استفاده شده است؛ فردی که نخستین بار اصطلاح امنیت هستی - شناختی را در کتاب *The Divided Self* در ۱۹۶۰م اختراع کرد. (Laing, 1960) شاید علاقه لاینگ به عنوان یک روانپزشک بیشتر به ناامنی هستی‌شناختی بود تا امنیت هستی‌شناختی. کار وی که در اصل مبتنی بر شواهد چالش برانگیزی برای روانپزشکی بود، استدلال می‌کرد که سلامتی ذهنی تنها به شرایط بیولوژیکی بر نمی‌گردد بلکه بایستی به صورت اجتماعی فهمیده شود. کارهای لاینگ مرکز تحقیقات آنتونی گیدنز در کتاب *مدرنیته و هویت* که بر رابطه میان مدرنیته اخیر و شرایط انسانی متمرکز گردید و بسیاری از مؤلفه‌های تئوری پردازی معاصر بر امنیت هستی‌شناختی را توسعه داد. (Giddens, 1991)

نمونه آرمانی در خصوص امنیت هستی‌شناختی برای لاینگ زمانی بود که یک فرد: "... حسی از حضور خود در جهان به عنوان یک واقعیت زنده، کلیتی دست نخورده و شخصیتی ادامه‌دار دارد. همینطور او در دنیایی بسر می‌برد و با دیگران ملاقات می‌کند: یک دنیا و دیگر تجربیاتی که همین گونه به طور برابری واقعی، زنده، کلیتی دست نخورده و مستمر هستند. چنین فردی که از نظر هستی‌شناختی امن شده است؛ به طور اساسی می‌خواهد با همه خطرهای زندگی اجتماعی، اخلاقی، معنوی و بیولوژیکی از طریق حسی متمرکز و راسخ از هویت و اصالت وجود خویش و دیگر مردمان روبرو شود. (Laing, 1960, p39) در این راستا، لاینگ سعی کرد آنچه را که در اصطلاحات روانپزشکی به عنوان عدم امنیت هستی‌شناختی توصیف می‌شود را تنظیم کند: "افراد ممکن است مقتضیات عادی زندگی را بیشتر غیرواقعی احساس کنند تا واقعی؛ به صورت تحت - الفظی، بیشتر مرده تا زنده؛ به صورت ناپایدار متمایز از سکون دنیا، به طوری که خودمختاری و هویتش پیوسته زیر سؤال هستند. وی ممکن است کمبودی نسبت به ادامه‌دار بودن خویش پیدا کند." (Laing, 1960, p42)

چنین کمبودی که لاینگ به عنوان "امنیت هستی‌شناختی اولیه" سعی در تعریف آن داشت به این معناست؛ که فرد با هر تجربه‌ای از زندگی روزمره، کمبودی از خویش، سازمان و موضوعی برای ترس‌ها، دلواپسی‌ها و وحشت در اشکال و اوقات مختلف را حس می‌کند. همان‌گونه که کاترین هیلز استدلال می‌کند؛ این نگرانی‌ها ممکن است در شرایط معاصر از طریق تکنولوژی و رسانه‌های جمعی تشدید شوند. هیلز کسی است که واقعیت اجتماعی را به عنوان یک پیوستار

درک می‌کند، واقعیاتی که بیشتر یک‌سری از حوادث است که با روایت پوشیده شده‌اند و هویت‌ها را به عنوان مقوم داخلی و گاهی منفصل کننده برمی‌سازند. (Hayles, 2005)

همانطور که مشاهده می‌شود، مفهوم امنیت هستی‌شناختی از سطح فردی که در کارهای لاینگ بدان پرداخته شده است به سطح اجتماعی منتقل گردیده است. این مهم بیش از هر فرد دیگری به آثار گیدنز برمی‌گردد. از این رو، پایه‌های سازنده مفهوم امنیت هستی‌شناختی که گیدنز آن را از کارهای اریکسون به عاریت گرفته است، بوسیله آر. دی لاینگ روانشناس اختراع شده است. (Cassell, 1993, P14) از نظر گیدنز، کودک در اولین گام رو به جلوییش در زندگی، درخصوص دیگری اعتماد بکار می‌برد و پی در پی نگرانی‌های پراکنده را کنترل می‌کند. به همین صورت، سیاست‌ها نیز «منبع انگیزشی عمومیت یافته اغلب برخورد انسانی» را تأسیس می‌کنند. (Giddens, 1991, P54) این «منبع انگیزشی عمومیت یافته اغلب برخورد انسانی» را گیدنز به صورت اجتماعی توسط معرفی مفهوم امنیت هستی‌شناختی فرمول‌بندی می‌کند. «به‌طور معمول زندگی روزمره ... درگیر یک امنیت هستی‌شناختی است که بر یک خود-پیروی از کنترل بدنی منطبق با رویه‌های روالمند قابل پیش‌بینی دلالت می‌کند.» (Giddens, 1991, P50) همانطور که گفته شد، تمرکز جهت تأثیرات اجتماعی بر فرد، در توضیحات جامعه‌شناختی گیدنز توسعه یافت. برای گیدنز امنیت هستی‌شناختی زمانی بوجود آمده است که انسان‌ها قادرند به اینکه می‌توانند همه انواع احتمالات نگرانی‌های مشابه هم را از بین ببرند، اعتماد کنند. بنابراین آن‌ها می‌توانند بر یک هنجار اجتماعی تکیه کنند؛ یک پیش‌بینی‌پذیری. (Giddens, 1991, P37)

بنابراین مطالعات امنیت هستی‌شناختی به عنوان یک حوزه میان‌رشته‌ای خود را نشان داده است. برای مثال؛ در مطالعات موزه، جای راندز اینکه چطور مردم از نمایش‌ها برای انجام "یک کار" استفاده می‌کنند تا یک روایت شخصی را به‌منظور نگهداری و تقویت امنیت هستی‌شناختی‌شان بسازند و حفظ کنند را مورد آزمون قرار می‌دهد. (Rounds, 2006) دبرایجت از امنیت هستی‌شناختی به عنوان یک مفهوم کلیدی برای درک راهبردهای مختلف مدیریت موضوعات غامض سلامت روانی استفاده کرده است. (Padgett, 2007) نوبل، موضوع موطن و امنیت هستی‌شناختی را مورد بررسی قرار داد. اما از منظر مهاجرت و مخاطرات نژادپرستانه آن در استرالیا. (Noble, 2005) هیسکاک، مکینتایر، کرنز و الاوی در مطالعاتشان پیشنهاد کردند که اتومبیل‌ها ممکن است برای افرادی که به آن‌ها دسترسی دارند، امنیت هستی‌شناختی مضاعفی را مهیا کنند و اینکه ممکن است گاهی مالکان اتومبیل‌ها در کنار خودرو خویش هستند، سالم‌تر باشند. (Hiscock, 2002) Macintyre, Kearns and Ellaway) کراسلی در یک مطالعه نظری و عملی، شیوه تأثیرات جدی بیماری بر روی امنیت هستی‌شناختی را به آزمون گذاشته است. (Crossley, 2003)

در این راستا، امنیت هستی‌شناختی در میان رشته‌های پزشکی، سیاست اجتماعی و روانشناسی گسترش یافته و در حال تبدیل شدن به یک نقطه مرکزی در تحقیقات میان‌رشته‌ای است. شاید همان‌گونه که گفته شد یکی از این زمینه‌های مطالعاتی، تأثیر تکنولوژی‌های معاصر در حوزه‌های رسانه باشد که در حال تشدید نگرانی‌های مدیریت هویت‌های درونی، برونی و چندگانه است. همین نگرانی‌ها است که تکنولوژی‌های معاصر را به یک موضوع، برای بررسی در حوزه نظری امنیت هستی‌شناختی تبدیل کرده است. (Hayles, 1999) با این حال در رشته روابط بین‌الملل و مطالعات امنیتی که برای مقاله پیشرو حائز اهمیت است نیز از چارچوب مفهومی امنیت هستی‌شناختی استفاده شده است.

مطالعات امنیتی و امنیت هستی‌شناختی

همان‌طور که می‌دانیم، گیدنز بحث امنیت هستی‌شناختی را از زمینه فرد درون اجتماع لاینگ به قلمرو اجتماعی سوق داد. اما به‌طور مشخص، مطالعات دانشگاهی روابط بین‌الملل، این ادعای اجتماعی را به دولت و روابط بین‌دولتی مرتبط کرد. شاید برای نخستین بار در روابط بین‌الملل از سوی جف هویسمنس (Huysmans, 1998) و بیل مکسوینی (McSweeney, 1999) مطرح شد و دیگران با تحلیل‌های قابل توجه بیشتری از آن پیروی کردند، به طور قابل توجهی افرادی چون استیل (Steele, 2008)، برن اسکویتیر و گیگرچ (Berenskoetter & Giegeric, 2010)، میتزن (Mitzen, 2006) و با روش متفاوتی کرولوکاسکی (Krolkowski, 2008) و کینول (Kinnvall, 2004)

فلیکس برنسکوتر و باستین گیگرچ استدلال می‌کنند که دولت‌ها حس امنیت هستی‌شناختی خود را با توسعه و سرمایه‌گذاری در سازمان‌های بین‌المللی افزایش می‌دهند تا ایده‌های نظم و رویه روالمند خود را با علایق فکری دیگران به مذاکره و اقدام بگذارند. (Berenskoetter & Giegeric, 2010) مقاله امنیت هستی‌شناختی در سیاست بین‌الملل؛ هویت دولت و معمای امنیتی جنیفر میتزن نیز از کارهای مهم صورت گرفته بر مفهوم امنیت هستی‌شناختی در حوزه روابط بین‌الملل است. کاری که ادعا دارد، می‌توان از سطح فردی و گروهی که در کارهای لاینگ و گیدنز وجود دارد به سمت سطح دولتی حرکت کرد. (Mitzen, 2006) استدلال میتزن این است که امنیت هستی‌شناختی، امنیت خود است و همچون استیل بر این باور است که قابل تفکیک و تمایز از امنیت برای بقا است. نکته مهم برای این نوع امنیت انجام رویه روالمند است؛ اما این رویه می‌تواند به دقت یا نسبی انجام شود. رویه روالمند با ارزش است، آنقدر با ارزش برای خویشتن که ممکن است دولت‌ها، رویه روالمند را بر دیگر ارزش‌ها ترجیح دهند، ارزش‌هایی همچون رهایی از روابط منازعه‌آمیز حتی زمانی که خسارت و هزینه درگیری فیزیکی محتمل باشد. کار میتزن به خواننده این امکان را می‌دهد تا ببیند چگونه مفهوم امنیت هستی‌شناختی می‌تواند از سطح فردی مورد نظر لاینگ، به سطح اجتماعی مورد نظر گیدنز، تا سطح ملی و بین‌المللی جایجا شود.

در این راستا، برنت جی. استیل تلاش می‌کند تا تمایزی میان امنیت هستی‌شناختی و سایر انواع سنتی امنیت ایجاد کند. (Steele, 2005) درحالی‌که امنیت فیزیکی به‌طور قابل ملاحظه‌ای برای دولت‌ها مهم است. امنیت هستی‌شناختی مهم‌تر است، زیرا انجام آن گواه و موید خود - هویت (self-identity) یک دولت است. به این دلیل که امنیت هستی‌شناختی نه تنها وجود فیزیکی دولت را تصدیق می‌کند بلکه مؤید این است که نخست؛ یک دولت چه نگاهی به خویش دارد و دوماً می‌خواهد که دیگر دولت‌ها چه نگاهی به او داشته باشند. دولت - ملت‌ها به دنبال امنیت هستی - شناختی می‌گردند. زیرا آن‌ها می‌خواهند مفاهیم استواری از خود (consistent self-concepts) داشته باشند و «خود» (Self) دولت‌ها از طریق روایتی که به فعالیت‌های سیاست خارجی رویه - های روالمند شده (routinised) حیات می‌بخشد، تأسیس و حفظ شده است. (Steele, 2008, pp2-3) استیل استدلال می‌کند که امنیت هستی‌شناختی از طریق شرایطی که در آن یک دولت نتواند بر مبنای اصول‌های خویش رفتار کند، می‌تواند با چالش روبه‌رو شود. در برخی شرایط، یک حس شرمندگی که منجر به بازبینی هویت یا سیاست‌ها می‌شود، وجود دارد. برخی از بازبینی‌ها در «مواقع بحرانی» (critical situations) اتفاق می‌افتد و به‌موجب آن در دل این بحران‌ها است که شکاف‌هایی می‌تواند اقدامات بازیگران و خود-یکپارچگی (self-integrity) شان باز شود. این یک چهارچوبی است که توسط دیگران مورد استفاده قرار گرفته است، از جمله زاراکل در مقاله نامنی هستی‌شناختی و انکار جرایم تاریخی دولت: ژاپن و ترکیه. (Zarakol, 2010, pp3-23)

از نظر استیل امنیت هستی‌شناختی حسی از ادامه‌دار بودن و نظم در اتفاقات است. برای امن بودن از منظر هستی‌شناختی، داشتن پاسخ برای سؤالات بنیادی وجودی که در طول حیات بشر همواره به‌وجود می‌آیند، ضروری است. این برداشت از امنیت، اهمیت امنیت فیزیکی و نیازهای اجتماعی را انکار نمی‌کند، اما نیروی محرک برای دنبال کردن این نیازها را در تلاش برای حفظ کردن هویت خود می‌داند. به بیان دیگر، جستجوی امنیت صرفاً در پاسخ به کنش‌های خارجی و مادی یا واکنش به ترس نخواهد بود، بلکه افراد و همچنین دولت‌ها، پیش از آن تلاش می‌کنند تا روایتی را که از خود دارند محفوظ نگه دارند. دولت‌ها خودخواهی خود را نه بر مبنای ساختارهای مادی مستقل خارجی بلکه بر اساس نیازهای خود هویتی، که از دولتی به دولتی و از زمانی به زمان دیگر فرق می‌کند، بنا می‌کنند. بنابراین دولت‌ها با انگیزه نیاز، کنش می‌کنند نه بقا. خود دولت‌ها از طریق روایتی که به رویه‌های روالمند سیاست خارجی و حتی داخلی شکل می‌دهد، قوام می‌یابد و حفظ می‌شود. بنابراین دولت‌ها سعی می‌کنند، رویه‌های روالمندی را که به هویت آن‌ها شکل می‌دهند، حفظ کنند. از این رو استیل، استدلال می‌کند که تلاش برای حفظ رویه‌های روالمند سیاست خارجی و یا حفظ هویت، یک اقدام خودیاری به حساب می‌آید و از این جنبه کاملاً عقلانی است. ذکر یک نکته ضروری است؛ امنیت هستی‌شناختی استیل در پی باطل کردن سایر نظریه‌ها در خصوص رفتار سیاست خارجی نیست بلکه سعی دارد تا فهمی کامل‌تر از اینکه

دولت‌ها تحت چه انگیزه‌هایی تصمیم‌گیری می‌کنند را ایجاد کند. در اینجا روایت، کلیدی‌ترین مبحثی است که دولت‌ها را قادر و یا محدود به پیگیری سیاست‌های خاصی می‌کند. بازیگران باید معنای خاصی برای رفتارها و کنش‌هایشان ایجاد کنند تا با هویت آن‌ها سازگار باشد. (Steele, 2008)

در واقع افراد تحت یک روایت خاص از خویش به ایجاد هویتشان اقدام می‌کنند. از این رو، دولت‌ها به این دلیل به دنبال امنیت هستی‌شناختی می‌روند که برداشت تاریخی آن‌ها از خودشان که درون یک روایت ساخته شده است؛ گذشته، حال و آینده را به هم ربط می‌دهد. بنابراین، هرگونه وضعیتی که رویه‌های روالمند نهادینه شده افراد و یا دولت‌ها را به خطر اندازد، یک وضعیت بحرانی خواهد بود. و نیز واکنش طبیعی افراد و دولت‌ها در اینجا اقدام برای حذف این وضعیت خواهد بود. هنگامی که اتفاقات و کنش‌های افراد یا محیطشان، حس هویت آن‌ها از خویش را برآورده نمی‌کند، برآشفتگی ایجاد خواهد شد. دولت‌ها که نگران امنیت هستی‌شناختی و هویت خود هستند، هرگونه رفتار و کنش متفاوت اعم از داخلی و یا خارجی را که بتواند تهدیدی برای هویت و روایت آن‌ها از خود ایجاد کند، به عنوان تهدید شناسایی می‌کنند و از این طریق به امنیتی‌سازی و دشمن‌شناسی دست می‌زنند. همانطور که گفته شد، این برآشفتگی گاهی به حس خجالت منجر می‌شود. یکی از دلایلی که حس خجالت در دولت‌ها ایجاد می‌شود، داشتن توانایی‌های مادی جهت اقدام مناسب است. دولت‌ها با در دست داشتن توانایی‌های مادی اگر نیاز به هویت خود را برآورده نکنند، از کارهای خویش شرمسار خواهند بود. اینکه دولت‌ها بعضی سیاست‌های اجرا شده در زمان‌های گذشته را شرم‌آور توصیف می‌کنند، بدان دلیل است که آن سیاست‌ها حس هویت آن‌ها را در بستر روایت کنونی برآورده نمی‌کنند. (Steele, 2008) با این چارچوب مفهومی، به سراغ پرسش اصلی این پژوهش می‌رویم. علت احساس خطر جمهوری اسلامی ایران از ناحیه گروه‌های سلفی - تکفیری چیست؟ برای پاسخ به این سؤال ابتدا لازم است، رویه‌های روالمند سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را بررسی کنیم. سپس نشان می‌دهیم که پدیده ظهور و گسترش گروه‌های تروریستی سلفی - تکفیری چگونه این رویه‌های روالمند را به مخاطره انداخته است.

رویه‌های روالمند سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران

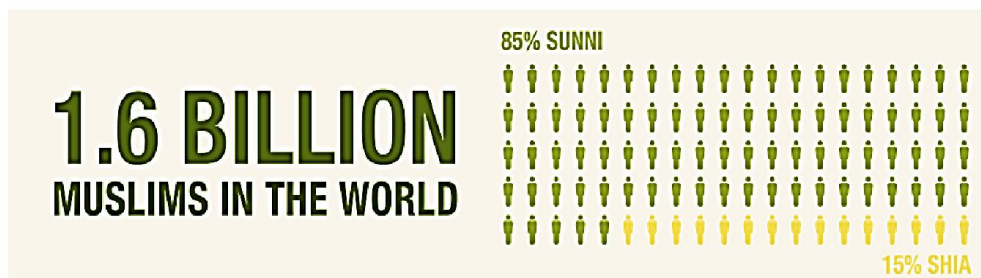
۱. وحدت در جهان اسلام

پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، وحدت در جهان اسلام به یکی از اولویت‌های سیاست خارجی ایران تبدیل شده است که بیشتر به ماهیت اسلامی رژیم برآمده از این انقلاب برمی‌گردد. زیرا که جهان‌بینی این مکتب تقسیم‌بندی بازیگران بین‌المللی بر مبنای دولت - ملت و در نظر گرفتن معیارهایی چون زبان، نژاد، قبیله و ... برای ترسیم مرزهای سیاسی را تقلیل‌گرایانه تلقی

کرده و سطح امت را برای تشخیص خودی و غیرخودی جایگزین آن می‌کند. (دلشاد، ۱۳۹۰) در این منظومه فکری به آیات شریفه قرآن کریم در خصوص وحدت اشاره می‌شود. در این راستا، می‌توان به آیه ۹۲ سوره انبیاء که می‌فرماید: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ، اینست امت شما که امتی یگانه است و منم پروردگار شما پس مرا پرستید.»؛ آیه ۱۹ سوره یونس که می‌فرماید: «وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا، و مردم جز یک امت واحد نبودند اما اختلاف پیدا کردند...» و آیه ۱۰۳ سوره آل عمران که می‌فرماید «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا، همگی چنگ به وسیله الهی بزنید و پراکنده نشوید.» اشاره کرد که همگی بر امت واحد و لزوم وحدت توجه دارند. از این رو وحدت را می‌توان از مؤلفه‌های قانونی ایدئولوژی جمهوری اسلامی دانست.

افزون بر این، وحدت در میان مسلمانانها و پرهیز از تفرقه‌های مذهبی تأمین کننده منافع ایران نیز می‌باشد. به عبارت دیگر؛ تفرق و دوری از وحدت علاوه بر اینکه یک تهدید ایدئولوژیک محسوب می‌شود، تهدیدات دیگری را نیز در بر خواهد داشت. توجه و تأکید صرف به دسته-بندی‌های غیر از امت همچون نژاد، زبان، مذهب و حتی دولت - ملت و تقسیمات سیاسی برآمده از جنگ‌های جهانی، با توجه به جغرافیای سیاسی ایران می‌تواند سیاست خارجی جمهوری اسلامی را در شکاف‌های عمیقی چون ایران - اعراب و شیعه - سنی قرار دهد که به خودی خود توانایی قابل توجهی در ایجاد اجماع منطقه‌ای برضد ایران را ایجاد می‌کنند. به عنوان مثال؛ اگر به ترکیب جمعیتی ۱,۶ میلیاردی مسلمانان جهان توجه کنیم، در خواهیم یافت که تنازع مذهبی می‌تواند جمعیت ۱۵٪ شیعه را در مقابل جمعیت ۸۵٪ سنی قرار دهد. (Pew Research Center, 2011). با توجه به اینکه در منطقه خاورمیانه تنها ایران و ترکیه کشورهای غیرعرب محسوب می‌شوند و تنها اقلیتی در سوریه و عراق کرد هستند، تقسیم‌بندی قومیتی نیز اوضاعی به مراتب بدتر، برای ایران رقم خواهد زد. به همین دلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی همواره به دنبال تقریب میان مذاهب اسلامی و ایجاد وحدت میان مسلمانان بوده و بر روی مشترکات میان مسلمانان تنظیم می‌شود. تاحدی که هویت جمهوری اسلامی را به پیگیری وحدت در جهان اسلام گره زده و این امر به رویه‌های روالمند تبدیل شده است.

شکل (۱) ترکیب جمعیت مسلمانان جهان



Source: Pew Research, The Future of the Global Muslim Population, 2011

از این رو است که لزوم وحدت را می‌توان در آرای بنیان‌گذار و رهبری کنونی جمهوری اسلامی به وضوح مشاهده کرد:

«ما با مسلمین اهل تسنن یکی هستیم؛ واحد هستیم که مسلمان و برادر هستیم. اگر کسی کلامی بگوید که باعث تفرقه بین ما مسلمان‌ها بشود، بدانید که یا جاهل هستند یا از کسانی هستند که می‌خواهند بین مسلمانان اختلاف بیندازند. قضیه شیعه و سنی اصلاً در کار نیست، ما همه با هم برادریم.» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۶، ص ۱۳۳)

«یک دسته از مسلمانان شیعه هستند و یک دسته‌ایی از مسلمانان سنی؛ یک دسته حنفی و یک دسته‌ای حنبلی و دسته‌ای اخباری هستند؛ اصلاً طرح این معنا از اول درست نبود. در یک جامعه‌ای که همه می‌خواهند به اسلام خدمت کنند و برای اسلام باشند، این مسائل نباید طرح شود. ما همه برادر هستیم و با هم هستیم؛ منتها علمای شما یک دسته فتوا به یک چیز دادند و شما تقلید از علمای خود کردید و شدید حنفی؛ یک دسته فتوای شافعی را عمل کردند و یک دسته دیگر فتوای حضرت صادق را عمل کردند، اینها شدند شیعه، اینها دلیل اختلاف نیست. ما نباید با هم اختلاف و یا یک تضادی داشته باشیم، ما همه با هم برادریم. برادران شیعه و سنی باید از هر اختلافی احتراز کنند.» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۳، ص ۵۴)

«منظور ما از وحدت چیست؟ یعنی همه مردم یکسان فکر کنند؟ نه. یعنی همه مردم یک نوع سلیقه سیاسی داشته باشند؟ نه. یعنی همه مردم یک چیز را، یک شخص را، یک شخصیت را، یک جناح را، یک گروه را بخواهند؟ نه؛ معنای وحدت اینها نیست. وحدت مردم، یعنی نبودن تفرقه و نفاق و درگیری و کشمکش. حتی دو جماعتی که از لحاظ اعتقاد دینی مثل هم نیستند، می‌توانند اتحاد داشته باشند؛ می‌توانند کنار هم باشند؛ می‌توانند دعوا نکنند» (خامنه‌ای، ۱۳۷۹)

«قرآن ما را به وحدت توصیه کرده است. قرآن ما را تهدید کرده است که اگر اتحاد و همبستگی خودتان را از دست بدهید، آبرو و هویت و قدرت شما نابود خواهد شد.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۴)

«شعار اتحاد اسلامی، یک شعار مقدس است. امروز اگر پیامبر مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) در میان ما بود، به اقتضای آیه شریفه «عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤوف رحیم» ما را به اتحاد دعوت می‌کرد؛ از ایجاد اختلافات این‌چنینی جلوگیری می‌کرد. ما اگر چنانچه علاقه‌مند به نبی مکرم اسلام هستیم، باید این خواسته قطعی آن بزرگوار را تحقق ببخشیم.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱)

«یکی از دستورات قرآن این است که آحاد امت اسلامی با یکدیگر متحد باشند؛ دست در دست یکدیگر بگذارند: «و اعتصموا بحبل الله جميعا و لا تفرقوا». این خطاب به کیست؟ خطاب به ما است، خطاب به ملت ایران است، خطاب به ملت‌های مسلمان کشورهای اسلامی است، خطاب به همه مؤمنین به اسلام در سراسر دنیا است. ما به این عمل می‌کنیم؟ نقطه مقابل این آموزش قرآنی، آموزش استعماری است: اختلاف میان مسلمانان. یک عده، یک عده دیگر را تکفیر کنند،

لعن کنند، خود را از آن‌ها بری بدانند. این چیزی است که امروز استعمار می‌خواهد؛ برای اینکه ما با هم نباشیم» (خامنه‌ای، الف ۱۳۹۲)

بنابر چنین دیدگاهی، بیگیری وحدت در جهان اسلام به یکی از رویه‌های روالمند سیاست خارجی تبدیل شده است و هرگاه بازیگری که سعی در برهم زدن این رویه داشته باشد و به ایجاد تفرقه و جنگ‌های مذهبی در جهان اسلام بپردازد، امنیت هستی‌شناختی جمهوری اسلامی را با تهدید مواجه خواهد کرد، زیرا هویت آن را به مخاطره می‌اندازد. از آنجایی که داعش یا دولت اسلامی مبارزه با شیعیان را در اولویت فعالیت‌های تروریستی خود قرار داده و هویتش را در شکاف میان سنی و شیعه بر ساخته است، بیش از سایر گروه‌های تروریستی ضدشیعی، پیش از خود همچون نسل‌های اول و دوم القاعده به ایده وحدت جهان اسلام خدشه وارد کرده است. لذا حمله به شیعیان از اختلافات مهم میان گروه‌های تروریستی جهادی است که سلفی‌ها آن‌ها را "صفوی‌های رافضی" خطاب می‌کنند. (رافضی به معنای "فراری" یا "خارج شده" بوده و یک صفت توهین‌آمیز برای شیعیان است. صفوی نیز به سلسله صفویه اشاره دارد که از ۱۵۰۱ تا ۱۷۲۲ م بر ایران و بخش‌هایی از جنوب آسیا، آسیای میانه و قفقاز حکومت می‌کردند.) در این راستا، دیگر سلفی - جهادی‌ها شامل برخی از رهبران القاعده در پاکستان، گاهی اوقات یک خط‌مشی محتاطانه‌تر را نسبت به شیعیان اتخاذ کرده‌اند، هرچند که آن‌ها نیز عمیقاً منتقد شیعیان به حساب می‌آیند. (Ayman al-Zawahiri, 2013) برای مثال، ظواهری در نامه‌ای به ابومصعب الزرقاوی توضیح می‌دهد که هرچند تشیع مکتبی مذهبی "بر پایه افراط و دروغ" است؛ اما هدف قرار دادن آن‌ها موجب فلج کردن حمایت‌ها از القاعده در میان جامعه گسترده مسلمانان در عراق خواهد شد. "آیا این موضوعی است که اجتناب ناپذیر است؟" "یا این امری است که می‌توان تا زمان تقویت جنبش مجاهدان در عراق آن را به تأخیر انداخت؟" (Zawahiri, 2005) لذا با وجود اقدامات برضد شیعیان در میان رهبران القاعده در عراق و سوریه، اکثر گروه‌های سلفی - جهادی بر جهاد مسلحانه برضد آن‌ها متمرکز نیستند. اما این مسأله برای گروه تروریستی داعش متفاوت است.

در میان سلفی - جهادی‌ها، رهبران داعش مکرر شیعیان را هدف حملات خود قرار داده‌اند. آن‌گونه که ابومصعب الزرقاوی، رهبر سابق القاعده در عراق و استاد ابوبکر البغدادی می‌گوید: " (آن‌ها) موانع غیرقابل عبور، مار در کمین، عقرب حيله‌گر و بداندیش، دشمن جاسوس و زهری نافذ هستند. ما در اینجا در حال ورود به نبردی در دو سطح هستیم. یکی آشکار و واضح که با یک دشمن مهاجم و کفر آشکار است. و دیگری یک جنگ دشوار و خشن با یک دشمن حيله‌گر است که لباس دوست پوشیده و خواهان دوستی است، اما دارای سوء نیت است و سرش را پیچ و تاب می‌دهد. خطر آن‌ها میراث برجای مانده از گروه‌های باطنی است که در طول تاریخ اسلام وجود داشته و زخم‌هایی را بر چهره اسلام بر جای گذاشته‌اند که زمان نمی‌تواند آن‌ها را التیام

دهد. هر ناظر صبور و جستجوگری پی خواهد برد؛ تشیع یک خطر در حال ظهور و چالشی واقعی است. آن‌ها دشمن هستند. از آن‌ها بر حذر باشید. با آن‌ها بجنگید، به خدا آن‌ها دروغ می‌گویند. (Combating Terrorism Center, 2004)

ابوبکر البغدادی، امیر داعش، شیعیان را مرتد می‌دانست و جهاد خشونت‌بار برضد آن‌ها را تشویق می‌کرد: "من درخواست خودم را از همه جوانان و مردان مسلمان در سراسر جهان مطرح می‌کنم و از آن‌ها می‌خواهم تا به سمت ما هجرت کنند و پایه‌های دولت اسلام را تحکیم بخشند و در جهاد برضد رافضی‌های صفوی، شیعیان مجوسی مشارکت کنند. (Abu Bakr Al-Qurashi Al-Baghdadi, 2012) رهبران جبهه‌النصره نیز شیعیان را هدف قرار می‌دهند و برضد حزب‌الله در سوریه می‌جنگند و شیعیان را آلوده به کفر می‌خوانند. (Abu Mohammed al-Jawlani, 2013)

۲. حفظ حرمت اماکن مذهبی

اماکن مذهبی شیعیان شامل کعبه، مساجد، حرم امامان معصوم و امامزادگان است. این اماکن، مقدس محسوب شده و هتک حرمت به آن‌ها ممنوع است. در این خصوص، تخریب مسجد حتی به منظور بازسازی آن نیز ممکن نیست. (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری). این موضوع یک باور عمومی برای شیعیان بوده و از مهم‌ترین خط قرمزهای آن‌ها است، به گونه‌ای که تخریب قبرستان بقیع از سوی وهابی‌ها به سرکردگی عبدالعزیز بن سعود در ۸ شوال ۱۳۴۴ ه.ق. (۱۹۲۵م)؛ همچنین حمله‌های سعودی‌های وهابی به نجف و کربلا به منظور تخریب مقبره‌های امام علی (ع) در سال‌های ۱۲۱۶ و ۱۲۲۲ ه.ق. و امام حسین (ع) در ۱۲۲۲ ه.ق. که به جنگی خونین میان شیعیان و سنی‌های تندرو تبدیل شده، منجر به عقب‌نشینی وهابی‌ها گردید؛ هنوز هم مورد توجه ایشان است. (بنی‌حسینی، ۱۳۷۲، صص ۴۲۸-۴۲۹)

همانطور که انتظار می‌رود، این مسأله برای جمهوری اسلامی ایران نیز حائز اهمیت است، زیرا با قرار گرفتن ولایت فقیه در کانون گفتمانی آن، پیگیری مقدسات اسلام و مذهب تشیع منطقی به نظر می‌رسد. فراتر از آن اصل دوازدهم قانون اساسی، با حفظ حقوق "مذاهب دیگر اسلامی"، شیعه را مذهب رسمی کشور اعلام کرده است. به همین دلیل، در سیاست خارجی ایران از سال ۱۳۵۷ ه.ش. به بعد بارها شاهد موضع‌گیری در خصوص هتک حرمت به اماکن مقدس هستیم که مهم‌ترین آن‌ها به موضع‌گیری امام خمینی در سال ۱۳۵۸ ه.ش. در واکنش به هتک حرمت نیروهای اسرائیلی به مسجدالاقصی و بمباران جنوب لبنان و اعلام آخرین جمعه ماه رمضان به عنوان روز جهانی قدس برمی‌گردد. «روز قدس فقط روز فلسطین نیست، روز اسلام است؛ روز حکومت اسلامی است. روزی است که باید جمهوری اسلامی در سراسر کشورها بیرق آن برافراشته شود. روزی است که باید به ابرقدرت‌ها فهماند که دیگر آن‌ها نمی‌توانند در ممالک اسلامی پیشروی کنند. من روز قدس را روز اسلام و روز رسول اکرم می‌دانم، و روزی است که

باید ما تمام قوای خودمان را مجهز کنیم» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۹، ص ۲۷۸) این مسأله در واکنش به موارد مشابه تکرار شده است. در اعتراض به نبش قبر حجر بن عدی، توسط جبهه‌النصره در سوریه، مراجع عظام تقلید حوزه‌های علمیه قم و نجف اشرف، دروس حوزه‌های علمیه سراسر کشور را در ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۲ ه.ش تعطیل کردند. رهبر انقلاب نیز از این واقعه با عنوان «یک حادثه بسیار تلخ و غم‌انگیز» یاد کرده و «جریان تکفیری» را «یکی از مصائب اسلام» دسته‌بندی نمود. (خامنه‌ای، ب ۱۳۹۲) وزیر امور خارجه ایران نیز با ارسال نامه‌های جداگانه به دبیرکل سازمان ملل متحد، دبیرکل سازمان همکاری اسلامی و مدیر کل سازمان یونسکو، تخریب، نبش قبر و هتک حرمت مزار حجر بن عدی بدست گروه‌های افراطی را محکوم کرد. (جام‌جم، ۱۳۹۲) رئیس مجلس شورای اسلامی نیز با صدور پیامی هتک حرمت به مقدسات مذهبی مسلمانان را پس از این واقعه محکوم کرد. (لاریجانی، ۱۳۹۲) از این رو حمایت از اماکن مذهبی، یکی از رویه‌های روالمند سیاست خارجی جمهوری اسلامی محسوب می‌شود.

گروه تروریستی جبهه‌النصره در اعلامیه‌ای که پس از این تخریب منتشر کرده، مدعی است: «در راستای تطبیق شرع خداوند در زمین به وسیله سپاهیان رحمت، به شکر و فضل خدا از یکی از ادوات شرک به خداوند خلاصی یافتیم؛ و پیکر حجر بن عدی برای اینکه در زمین دفن شود از محلی که نظام کافر سوریه به جای قبر برای او بنا کرده بود، منتقل گردید. این کار تطبیق شرع خداوندی است که ساخت مزارها که موجب شرک به پروردگار و عبادت قبور می‌شود را حرام کرده است ... مجاهدان ما در سرزمین مبارک شام، شریعت و سنت نبوی را قاعده برای احقاق حق قرار می‌دهند؛ لذا باز هم اقدام به تخریب تمامی بیوت شرک در شام عزیز خواهند نمود.» در این خصوص، ابراهیم الفارس از مفتی‌های سلفی - تکفیری جبهه‌النصره در تویترش می‌نویسد: «قبر [حضرت] زینب [سلام الله علیها] منبع الهام شیعیان جهان است؛ به همین دلیل آن را برای نزدیکی به خدا خراب کنید. با این کار صدمه‌ای به شیعیان می‌زنید که پیروزی در چند میدان جنگ هم با آن برابری نمی‌کند. وی سپس حرم حضرت زینب (سلام الله علیها) را کانون شرک می‌خواند.» (مشرق، ۱۳۹۳) بر همین اساس، حملات به حرم حضرت زینب (س) به صورت بمب‌گذاری و شلیک خمپاره، طی سه سال گذشته تکرار شده است. (خبرگزاری صدا و سیما، ۱۳۹۲)

در فروردین ۱۳۹۳ ه.ش گروه تروریستی داعش، اقدام به تخریب مزار اویس قرنی و ابی بن قیس از یاران امام علی (ع)، عمار یاسر و وابصه بن معبد الاسدی از صحابه پیامبر (ص) در رقه کرد. این اقدامات به سوریه محدود نمی‌شود و گروه‌های سلفی - تکفیری در سایر نقاط نیز این رویه را تکرار کرده‌اند. به عنوان مثال؛ در لیبی شاهد تخریب مقبره‌های امام‌زادگان و صحابه پیامبر (ص) هستیم؛ تخریب حرم امام‌زاده عبدالسلام الأسمر با قدمت ۸۰۰ ساله واقع در شهر زلیتن لیبی، در شهریور ۱۳۹۱ ه.ش با وجود مقاومت شیعیان، تخریب ضریح امام‌زاده الشعاب

الدهمانی در پایتخت لیبی، تخریب مسجد سیدی سالم در شهر جنزور دارای ضریحی با قدمت ۶۰۰ سال، تخریب مقبره تاریخی صحابه در شهر درنه که ۷۰ نفر از صحابه در آن مدفون بودند. (مشرق، ۱۳۹۳)

۳. حمایت از مستضعفین در قبال مستکبرین

ایران در دوره محمدرضا شاه، به یکی از بزرگ‌ترین هم‌پیمانان بلوک غرب در دنیا تبدیل شده بود. ایالات متحده سعی می‌کرد، با دریافت وام، کمک‌های مالی و فنی از ایران پس از جنگ دوم جهانی، یک الگوی سرمایه‌داری در مقابل جمهوری‌های سوسیالیستی شرق بسازد. این مسأله در کنار همسایگی ایران با اتحاد جماهیر شوروی باعث شد تا حساسیت آمریکا به ایران نسبت به گذشته بیشتر شود. (فوران، ۱۳۷۷، صص ۵۰۸-۵۰۹) از این جهت در نگاه آمریکایی‌ها، ایران همواره در سیاست‌های ضدکمونیستی، خط مقدم محسوب شده و در استراتژی‌های گوناگون از مقابله همه‌جانبه ترومن گرفته تا کندی-مک‌نامارا نقش قابل توجهی را متحمل بوده و باید ثباتش حفظ می‌شد. (Offiler, 2015, p35) بنابراین نفوذ و دخالت آمریکایی‌ها در مسائل داخلی ایران گسترده‌تر گردید؛ از کودتا برضد مصدق تا اجرای طرح انقلاب سفید. (مهدوی، ۱۳۷۷) ایران که سال‌ها دچار دخالت بیگانگان شرقی و غربی در امور داخلی خویش بود، در آستانه انقلابی قرار گرفت که مبارزه با دخالت بیگانگان در امور داخلی کشور به یکی از شعارهای مهم انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ ه.ش تبدیل شد. تا حدی که شعار نه شرقی و نه غربی به عنوان اصل اساسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، بر سر در وزارت خارجه ایران نقش بست. ایران را از کشورهای بلوک غرب در پیمان سنتو جدا و وارد عدم تعهد کرد. (ازغندی، ۱۳۸۴، ص ۳۸۲) سفارت آمریکا در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ ه.ش از سوی «دانشجویان مسلمان پیرو امام» اشغال، روابط سیاسی با ایالات متحده قطع شد (طاهری شمیرانی، ۱۳۸۹، صص ۵۴۵-۵۴۶) و هیأتی نیز برای ابلاغ نامه رهبر انقلاب و ارشاد میخائیل گورباچف در ۱۳ دی ۱۳۶۷ ه.ش به مسکو اعزام گردید. (شاهجویی، ۱۳۸۴، صص ۳۱۴-۳۱۰) امام خمینی (ره) در این خصوص؛ در ۱۶ مرداد ۱۳۶۵ ه.ش. می‌فرماید:

«کدام بت از شیطان بزرگ آمریکای جهان‌خوار و شوروی ملحد متجاوز بزرگتر؟ و کدام طاغوت و طاغوتچه از طاغوت‌های زمان ما بالاترند؟ (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۰، ص ۸۸)

از نظر رژیم سیاسی جدید در ایران، مبارزه با «قدرت‌های سلطه‌گر» و «حمایت از مستضعفین در برابر مستکبرین» محدود به مرزهای سیاسی ایران نبوده و «حق همه مردم جهان» محسوب می‌شود. این مسأله به‌صراحت در فصل دهم قانون اساسی آمده است:

«سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر

قدرت‌های خارجی سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است." (اصل یکصد و پنجاه و دو)

"جمهوری اسلامی ایران، سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال، آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند." (اصل یکصد و پنجاه و چهار)

بنابراین حمایت از مستضعفین در برابر مستکبرین به سه صورت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پیگیری شد. نخست؛ تحقق این آرمان نیازمند به تجدیدنظرطلبی در نظم موجود بود. دوم؛ نوبت به مبارزه با نمادهای استکبار می‌رسد که ایالات متحده آمریکا و اسرائیل به عنوان بزرگ‌ترین شریک منطقه‌ای آن، در این دسته قرار می‌گیرند. در این راستا، حمایت از محور مقاومت در سوریه و لبنان نیز به عنوان سومین صورت حمایت از مستضعفین مورد توجه سیاست خارجی قرار گرفت و تبدیل به یک رویه شد.

۴. تجدیدنظرطلبی در نظم رقابت‌آمیز منطقه‌ای

این مسأله که چرا سیاست خارجی تحول‌خواهانه ج.ا.ا در منطقه غرب آسیا به یک رویه روالمند تبدیل شده است را باید در نوع نظم موجود در این منطقه جستجو کرد. نظمی که جمهوری اسلامی آن را ماحصل نفوذ استکبار جهانی در منطقه می‌داند. از دیدگاه انقلاب اسلامی مرزهای سیاسی موجود در کشورهای همسایه غربی ایران، نتیجه تحمیل نفوذ انگلیسی‌ها پس از فروپاشی عثمانی است که نشانگر تمایزات ملت‌ها از یکدیگر نیست. از این جهت، کشورهای منطقه بجای تکیه بر نقاط افتراق ساختگی، می‌توانند بر نقاط اشتراکشان که همان اسلام است، رجوع کنند و در مقابل استکبار جهانی یعنی ایالات متحده و اسرائیل بایستند. (کارگر رضائی، ۱۳۸۰۲، ص ۶۵)

اما واقعیت‌های موجود حاکم بر منطقه، تقسیمات سیاسی برآمده از موافقت‌نامه سایکس-پیکو (Sykes-Picot Agreement (1916)) است. (Britannica, 2015) اسرائیل در ۱۴ می سال ۱۹۴۸ م در سرزمین‌های فلسطینی تأسیس شد. (Cavendish, 1998) در ۱۹۴۹ م به عضویت سازمان ملل درآمد. (UN) همچنین اسرائیل روابط گسترده‌ای با کشورهای اسلامی منطقه از جمله؛ ترکیه، مصر، اردن، عربستان سعودی و شیخ‌نشین‌های خلیج فارس برقرار نموده است. شورای همکاری خلیج فارس نیز در سال ۱۹۸۱ م که برای توازن قدرت ایران و عراق تشکیل شده بود، با فروپاشی نظام بعث در عراق کاملاً در مقابل ایران قرار گرفت تا به شکل جدی‌تری نظریه وحدت در جهان اسلام را زیر سؤال ببرد. این شورا که متشکل از عربستان، بحرین، کویت، امارات متحده عربی، عمان و قطر است، سیاست‌های خصمانه‌ای را برضد ایران و حتی شیعیان

در سایر نقاط منطقه همچون بحرین و یمن در پیش گرفته است. (مجتهدزاده، ۱۳۷۹، صص ۱۳۴-۱۳۳)

عربستان به عنوان قدرتمندترین کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس و محور این شورا، روابط گسترده‌ای با آمریکا دارد. ترکیه نیز با اینکه پس از روی کار آمدن اسلام‌گراها، چند موضع‌گیری نمایشی بر ضد اسرائیل انجام داد، همچنان عضو ناتو بوده و روابطش را با اسرائیل را حفظ کرده است. با این حال ج.ا.ا. همواره امیدوار بوده است تا بتواند با افزایش زمینه‌های همگرایی با کشورهای اسلامی منطقه، نوک پیکان ائتلاف منطقه‌ای را علیه اسرائیل و منافع ایالات متحده در منطقه تنظیم کند. در این راستا به گسترش روابط با عربستان سعودی بین سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۳ م دست زد. (بهار، ۱۳۹۳) مناسباتش را با ترکیه پس از روی کار آمدن اسلام‌گراها در آن کشور افزایش داد (شاکری، ۱۳۹۲، ص ۶) و حتی با طرح منطقه "شامگن" ترکیه که شامل کشورهای ایران، ترکیه، عراق و سوریه می‌شد، در سال ۱۳۸۹ ه.ش موافقت کرد. (اکبرزاده، ۱۳۸۹)

این موارد برای تغییر نظم موجود منطقه‌ای صورت گرفت. نظمی که اساساً بسیار رقابت‌آمیز بوده و قدرت‌های عمده چون ایران، ترکیه، عربستان و اسرائیل را به بیشینه‌سازی قدرت ترغیب می‌کرد. با این وجود؛ پس از وقوع اولین اعتراضات در سوریه، عربستان و قطر دو عضو شورای همکاری خلیج فارس از معترضین حمایت کردند. (Nakamura, 2013, p3) اتحادیه عرب عضویت سوریه بشار الاسد را به تعلیق درآورد (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۴) ترکیه نیز به صف مخالفین اسد پیوست. (شاکری، ۱۳۹۲، ص ۶) به این صورت تنش میان عربستان و ترکیه از یک سو و ایران به عنوان حامی سوریه بشار الاسد از سوی دیگر بالا گرفت و افق‌های همکاری تیره‌تر شد.

با ادامه‌دار شدن اعتراضات عربستان و ترکیه از گروه‌های سلفی - تکفیری مسلح مخالف حکومت اسد حمایت کردند. از این جهت، ظهور گروه‌های سلفی - تکفیری که با کمک‌های ترکیه و عربستان موفق به ایجاد ناامنی و جنایات گسترده در عراق و سوریه شدند، امیدها برای تغییر در نظم رقابت‌آمیز منطقه‌ای به نظمی که بر مبنای اتحاد کشورهای اسلامی بر ضد اسرائیل باشد را از بین برد. شکاف‌های میان تهران با آنکارا و ریاض را عمیق‌تر کرد و توجه را از اسرائیل به درگیری‌های داخلی مسلمانان معطوف داشت.

از این رو یک رویه روالمند در سیاست خارجی ج.ا.ا. خدشه‌دار شد. رویه روالمندی که بر تغییر نظم موجود منطقه‌ای علیه آمریکا و اسرائیل استوار بود. لذا گروه‌های سلفی - تکفیری با ایجاد درگیری داخلی میان کشورهای اسلامی مانع از حرکت به سوی تغییر نظم رقابت‌آمیز در منطقه غرب آسیا به نظمی همکاری‌جویانه بر ضد اسرائیل و آمریکا شدند و امنیت هستی‌شناختی ج.ا.ا. را به مخاطره انداختند.

۵. پیگیری آزادی قدس و تهدید اسرائیل

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های شکل‌دهنده به سیاست خارجی ج.ا.ا. پیگیری آزادی قدس و عدم شناسایی اسرائیل است. این مسأله از ابتدای پیروزی انقلاب مورد توجه بوده است. تا جاییکه اولین هیأتی که برای تبریك انقلاب وارد ایران شد، یاسر عرفات، رئیس تشکیلات خودگران فلسطینی بود. (جام‌جم، ۱۳۹۳) اهمیت آزادسازی قدس و مبارزه با اسرائیل به حدی در سیاست خارجی ج.ا.ا. جدی است که نه تنها ایران از به رسمیت شناختن اسرائیل سر باز زده است بلکه ورزشکاران ایرانی، حاضر به رویارویی با حریفان اسرائیلی نمی‌شوند.

جمهوری اسلامی با برگزاری روز قدس، همواره سعی داشته است تا توجه مسلمانان و سایر مردم جهان را به موضوع قدس و اقدامات اسرائیل علیه مسلمانان فلسطینی معطوف کند. با این وجود، گسترش گروه‌های سلفی - تکفیری در عراق و سوریه که بر تنازع شیعه و سنی در منطقه دامن می‌زنند، توجه و حساسیت جهانی را از موضوع فلسطین و اقدامات اسرائیل برضد فلسطینیان کم کرده است. از این جهت، یکی دیگر از رویه‌های روال‌مند سیاست خارجی ج.ا.ا. با گسترش گروه‌های تروریستی با تهدید مواجه شده است که این مسأله می‌تواند نوعی دلواپسی درباره فلسطین ایجاد کند و امنیت هستی‌شناختی ج.ا.ا. را به چالش بکشد.

۶. حمایت از محور مقاومت در سوریه، لبنان و فلسطین

نمونه آشکار و عینی حمایت از مستضعفین عالم در برابر مستکبرین برای ج.ا.ا.، پشتیبانی از محور مقاومت در برابر اسرائیل است. زمینه‌های این حمایت به سال‌های پیش از انقلاب و ابتدای انقلاب اسلامی ایران برمی‌گردد. نیروهای چریکی انقلابی چون چمران و مصطفی خمینی در لبنان به آموزش نیروهای شیعه لبنان برای مقابله و بیرون راندن اسرائیلی‌ها از اراضی لبنان پرداختند. در این جهت، جنبش امل در لبنان شکل گرفت. سپس با تأسیس حزب‌الله لبنان حمایت‌های گسترده‌تری از آن صورت گرفت. این حمایت‌ها منجر به ایستادگی لبنانی‌ها و خروج اسرائیل از جنوب لبنان در سال ۱۳۷۹ (۲۰۰۰م) شد. (اسداللهی، ۱۳۷۹، صص ۹۰-۱۱۲) سپس حزب‌الله توانست در جنگ ۳۳ روزه در سال ۲۰۰۶ م اسرائیل را وادار به تقاضای آتش‌بس برای نخستین بار در طول تاریخ منازعات اعراب با اسرائیل نماید. (الخادم، ۱۳۹۱، صص ۱۸۶-۲۳۴) در فلسطین نیز با توجه به اینکه فتح از در مصالحه با اسرائیل در آمد و جنبش حماس بر مبارزه با اسرائیل تأکید داشت؛ مورد حمایت ج.ا.ا. قرار گرفت. (دهقانی، ۱۳۸۶) حماس با حمایت‌های ایران توانست با وجود فشارهای مضاعف اسرائیل به نوار غزه، طی جنگ‌های ۲۰۰۸ - ۲۰۰۹ و ۲۰۱۴ م در برابر رژیم صهیونیستی بایستد. (سالم مکی، ۱۳۹۲)

به نظر می‌رسد ج.ا.ا. با کمک به لبنان و فلسطین و محدودسازی اسرائیل به مرزهایش، توانست به بخشی از شعارهایش در سیاست خارجی و داخلی جامه عمل بپوشاند. در این راستا، سوریه به دلیل همسایگی با لبنان و اسرائیل و نزدیکی جغرافیایی با غزه از یک جایگاه ژئواستراتژیک در محور مقاومت برخوردار است. علاوه بر این؛ حکومت سوریه نیز در جنگ علیه اسرائیل همواره پیشتاز بوده و در جنگ ۶ روزه ۱۹۶۷ م، بخشی از خاکش را در بلندی‌های جولان را از دست داده است. بنابراین ج.ا.ا. همواره سوریه را به عنوان یکی از مهم‌ترین کانون‌های مقاومت مورد توجه قرار داده است. (آجورلو، ۱۳۹۱) لذا بدیهی است ظهور گروه‌های سلفی - تکفیری در سوریه و استقرار آن‌ها در این کشور که از ارکان اساسی مقاومت محسوب می‌شود، افزون بر اینکه مستقیماً منافع مادی ج.ا.ا. ایران را هدف قرار داده است، از این حیث که منجر به تضعیف مقاومت گردیده، به رویه روالمند سیاست خارجی لطمه وارد کرده و موجبات تاامنی هستی - شناختی ج.ا.ا. ایران را فراهم آورده است.

نتیجه‌گیری

پیدایش گروه‌های سلفی - تکفیری در محور مقاومت، امنیت ج.ا.ا. را با تهدیدهای جدی روبه‌رو ساخته است. در حالیکه رویکردهای نظری متداول در حوزه مطالعات امنیتی اغلب بر عواملی چون توزیع توانمندی‌ها یا سطوح مختلف مناسبات و متغیرهای دخیل توجه می‌کنند؛ امنیت هستی‌شناختی به بررسی آن دسته از تهدیدهایی می‌پردازد که با برهم زدن رویه‌های روالمند یک دولت، سبب تشویش و دلواپسی آن می‌شوند.

این ناامنی هستی‌شناختی برای ج.ا.ا. این‌گونه به‌وجود آمده است که رشد و گسترش این گروه‌های تروریستی با برهم زدن رویه‌های روالمند سیاست منطقه‌ای ج.ا.ا. از جمله؛ تحقق ایده وحدت در جهان اسلام، حفظ حرمت اماکن مذهبی، حمایت از مستضعفین در مقابل مستکبرین، تجدیدنظرطلبی در نظم رقابت‌آمیز منطقه‌ای، پیگیری آزادی قدس و تحدید اسرائیل و حمایت از محور مقاومت در سوریه و لبنان، سبب تشویش و دلواپسی هویتی برای ج.ا.ا. گردید. از این منظر رشد گروه‌های سلفی - تکفیری، تهدیدی برضد هویت سیاست منطقه‌ای ج.ا.ا. محسوب می‌شود. به عبارت دیگر؛ این پژوهش با استمداد از این رویکرد نظری، علت اصلی تهدیدهای امنیتی حاصل از پیدایش گروه‌های سلفی - تکفیری در عراق و سوریه را ایجاد ناامنی هستی‌شناختی برای ج.ا.ا. می‌داند.

کتاب‌نامه

۱. آجورلو، حسین (۱۳۹۱)، تحلیلی بر جایگاه سوریه در حمایت از مقاومت، موسسه ندا، ۱۵ فروردین، <http://nedains.com/fa/news/308122>. (دسترسی در ۱۴ شهریور ۱۳۹۴)
۲. ازغندی، علیرضا (۱۳۸۴) روابط خارجی ایران ۱۳۵۷-۱۳۲۰، تهران: قومس.
۳. اسداللهی، مسعود (۱۳۷۹) از مقاومت تا پیروزی: تاریخچه حزب-الله لبنان ۱۳۷۹-۱۳۶۱، تهران: اندیشه‌سازان نور.
۴. اکبرزاده، علی (۱۳۸۹)، شامگن نسخه خاورمیانه‌ای شینگن، ۱۶ اسفند. <http://www.asriran.com/fa/print/158661>. (دسترسی در ۲۰ شهریور)
۵. الخادم، سمیر (۱۳۹۱) جنگ غافلگیری‌ها و تدبیرها، ترجمه مریم السادات امیر شاکرمی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۶. برزگر، کیهان (۱۳۸۷)، ایران، خاورمیانه و امنیت بین‌الملل، فصلنامه روابط خارجی، شماره ۸۶، پاییز. صص ۶۶۶-۶۵۳.
۷. برزگر، کیهان و قاسمی، مهدی (۱۳۹۲)، استراتژی تهدید وجودی اسرائیل و امنیت ملی ایران، روابط خارجی، سال ۵، شماره ۱۷، بهار، صص ۱۶۹-۱۹۸.
۸. بنی حسینی، سید صادق (۱۳۷۲) ادیان و مذاهب جهان، قم: ناشر مؤلف، ج ۱، ص ۴۲۸.
۹. بهار (۱۳۹۳)، روابط ایران و عربستان از اول انقلاب تا به حال، ۲۳ اردیبهشت. <http://www.baharnews.ir/news/42125>. (دسترسی در ۱۸ مهر ۱۳۹۴)
۱۰. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری. استفتائات جدید، <http://www.leader.ir/tree/index.php?catid=49>. (دسترسی در ۲۲ مرداد ۱۳۹۴)
۱۱. جام‌جم، (۱۳۹۲)، واکنش مراجع تقلید به جنایات تروریست‌ها در سوریه، <http://press.jamejamonline.ir/Newspreview/1031553472686077479>. (دسترسی در ۱۰ تیر ۱۳۹۴)
۱۲. جام‌جم، (۱۳۹۳)، عرفات اولین مهمان خارجی انقلاب، <http://ayam.jamejamonline.ir/NewsPreview/1827936136220432357>. (دسترسی در ۲۵ خرداد ۱۳۹۴)
۱۳. خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸) صحیفه امام، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۴. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۹)، متن کامل بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، ۲۶ فروردین، <http://www.leader.ir/langs/fa/index.php?p=bayanat&id=1892>. (دسترسی در ۲۲ مرداد ۱۳۹۴)
۱۵. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۴)، بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار کارگزاران نظام و سفرای کشورهای اسلامی، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، ۶ اردیبهشت، <http://www.leader.ir/langs/fa/index.php?p=bayanat&id=2707>. (دسترسی در ۲۲ مرداد ۱۳۹۴)

۱۶. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۱)، بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، ۱۰ بهمن، <http://www.leader.ir/langs/fa/index.php?p=bayanat&id=10274> (دسترسی در ۲۲ مرداد ۱۳۹۴)
۱۷. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۲ الف)، بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن کریم، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، ۱۸ خرداد، <http://www.leader.ir/langs/fa/index.php?p=bayanat&id=10773> (دسترسی در ۲۲ مرداد ۱۳۹۴)
۱۸. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۲ ب)، بیانات در دیدار دست‌اندرکاران برگزاری انتخابات، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، ۱۶ اردیبهشت، <http://www.leader.ir/langs/fa/index.php?p=bayanat&id=10604> (دسترسی در ۲۲ مرداد ۱۳۹۴)
۱۹. خبرگزاری صدا و سیما، (۱۳۹۲)، حمله خمپاره‌ای تروریست‌ها به حرم حضرت زینب (س)، <http://www.iribnews.ir/NewsBody.aspx?ID=33699> (دسترسی در ۲۲ مرداد ۱۳۹۴)
۲۰. خبرگزاری فارس (۱۳۹۴)، نگاهی به فراز و فرودهای مواضع اتحادیه عرب در برابر سوریه، مرداد، <http://www.farsnews.com/13940506001315> (دسترسی در ۱۵ مهر ۱۳۹۴)
۲۱. دلشاد، امیرعلی (۱۳۹۰)، تحولات خاورمیانه، بیداری اسلامی و احیای گفتمان امت واحده اسلامی، امت واحده اسلامی؛ از تئوری تا عمل (۱)، مرکز اسناد انقلاب اسلامی. <http://www.irdc.ir/fa/content/14155/default.aspx> (دسترسی در ۲۰ مرداد ۱۳۹۴)
۲۲. دهقانی، محمود (۱۳۸۶)، فراسوی جدالی کهنه: بررسی درگیری‌های اخیر بین فتح و حماس. مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام. <http://www.csr.ir/PrintDetail.aspx?cid=825&did=44&type=ar> (دسترسی در ۱۵ مهر ۱۳۹۴)
۲۳. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۸) "امنیت هستی‌شناختی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال اول، شماره اول، بهار، صص ۷۶-۴۱.
۲۴. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و نوری، محمد (۱۳۹۱)، امنیت هستی‌شناختی در سیاست خارجی دوران اصولگرایی، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۵۷، پاییز، صص ۱۸۰-۱۴۹.
۲۵. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و وهاب‌پور، پیمان (۱۳۹۲) امنیت هستی‌شناختی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۶. رنجبر، مقصود (۱۳۸۲)، تهدیدات اسرائیل علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، اندیشه انقلاب اسلامی، شماره ۶، تابستان، صص ۲۳۳-۲۵۲.
۲۷. ساسانیان، سعید (۱۳۹۰)، تحولات منطقه از منظر امنیت هستی‌شناختی گیدنز، مرکز اسناد انقلاب اسلامی <http://irdc.ir/fa/content/15072/default.aspx> (دسترسی در ۱۶ شهریور ۱۳۹۴)

۲۸. سالم مکی، رفیق (۱۳۹۲)، حمایت‌های ایران موجب ایستادگی و مقاومت ملت فلسطین است، ایرنا، ۲۴ فروردین. <http://www.irna.ir/fa/NewsPrint.aspx?ID=80612810>. (دسترسی در ۲۰ مهر ۱۳۹۴)
۲۹. شاکری، رضا (۱۳۹۲)، تأثیر حزب عدالت و توسعه بر ترکیه بر روابط ایران و ترکیه، کائنات، دوشنبه ۸ مهر، <http://kaenat.ir/1392/07/08/Files/PDF/13920708-1903-9-6.pdf>. (دسترسی در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۴)
۳۰. شاهجویی، محمد امین (۱۳۸۴) بنیان مرصوص امام خمینی قدس سره در بیان و بنان حضرت آیت الله جوادی آملی، قم: اسراء.
۳۱. طاهری شمیرانی، صفت الله (۱۳۸۹)، سازمان ملل و تسخیر سفارت آمریکا، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و چهارم، شماره ۲، تابستان.
۳۲. عیوضی، محمد رحیم (۱۳۸۲)، جهانی شدن و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی، اندیشه انقلاب اسلامی، شماره ۶، تابستان، صص ۱۵۱-۱۳۶.
۳۳. فوران، جان (۱۳۷۷) مقاومت شکننده؛ تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه احمد تدین، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
۳۴. کارگر رضانی، روح الله (۱۳۸۲)، صدور انقلاب ایران: سیاست اهداف و وسایل، در جان. ال. اسپوزیتو، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ترجمه محسن مدیرشانه‌چی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
۳۵. لاریجانی، علی (۱۳۹۲)، لاریجانی هتک حرمت اماکن مقدس مسلمانان در سوریه را محکوم کرد، همشهری آنلاین. <http://www.hamshahrionline.ir/details/212347>. (دسترسی در ۱۶ مرداد ۱۳۹۴)
۳۶. لاریجانی، محمد جواد (۱۳۶۹) مقولاتی در استراتژی ملی، انتشارات انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۶۹، صص ۵۲-۵۳.
۳۷. متقی، ابراهیم (۱۳۸۹)، گونه‌شناسی تهدیدهای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، آفاق امنیت، شماره ۸، پاییز، صص ۲۴-۵.
۳۸. متقی، ابراهیم و محمد حسینی، مسعود (۱۳۹۱)، فرصت‌ها و تهدیدات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در قبال دولت - ملت سازی آمریکا، سیاست دفاعی، شماره ۸۰، پائیز، صص ۴۶-۹.
۳۹. مشرق (۱۳۹۳)، جنایات تکفیری‌ها در تخریب اماکن مقدس اسلامی، ۲۷ خرداد، <http://www.mashreghnews.ir/fa/print/318352>. (دسترسی در ۱۳ خرداد ۱۳۹۴)
۴۰. مهدوی، عبدالرضا هوشنگ (۱۳۷۷) سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی ۱۳۵۷-۱۳۰۰، تهران: نشر پیکان.

41. Abu Bakr Al-Qurashi Al-Baghdadi (2012) "Allah Will Not Allow Except that His Light Should Be Perfected," Fursan Al-Balagh Media.

42. Abu Mohammed al-Jawlani (2013) "The Coming Days Will Be Better Than Past Ones," Fursan Al-Balagh Media, August.

43. Ayman al-Zawahiri (2013) "Forty-Six Years Since the Setback," Al-Sahab Media Establishment, August .
44. Ayman al-Zawahiri(2012)"Truth Has Come and Falsehood Has Perished," Al- Sahab Media Establishment, September.
45. Berenskoetter, Felix, and Giegeric, Bastian,(2010) "From NATO to ESDP: A Social Constructivist Analysis of German Strategic Adjustment after the End of the Cold War", Security Studies, Vol. 19, No. 3 , pp. 407-52.
46. Britannica (2015) "Sykes-Picot Agreement", <http://www.britannica.com/event/Sykes-Picot-Agreement>. (accessed on 7 Oct 2015)
47. Cassell, P, (1993) **The Giddens Reader**, London: Macmillan Publishers Ltd.
48. Cavendish. Richard (1998) "Foundation of the State of Israel", History Today, Vol. 48, Issue 5, May 5.
49. Combating Terrorism(2004) "Abu Mus'ab al-Zarqawi to al Qa'ida leaders", January. Released by the Harmony Project, N.Y.
50. Crossley, M.L,(2003) "'Let Me Explain": Narrative Employment and One Patient's Experience of Oral Cancer", Social Science and Medicine, Vol. 56, No. 3, February, pp. 439-48.
51. Giddens, Anthony, (1991) **Modernity and Self-Identity**. Cambridge: Polity.
52. Hayles, N. Katherine, (1999) **How We Became Posthuman**. Chicago, IL: University of Chicago Press.
53. Hayles, N. Katherine, (2005) **My Mother Was a Computer** .Chicago, IL: University of Chicago Press.
54. Hiscock, Rosemary, Macintyre. Sally, Kearns, Ade, and Ellaway, Anne (2002) "Means of Transport and Ontological Security: Do Cars Provide Psycho-social Benefits to Their Users?" Transportation Research Part D: Transport and Environment, Vol. 7, No. 2 .March, p. 120.
55. Huysmans, Jef, (1998) "Security! What Do You Mean? From Concept to Thick Signifier", European Journal of International Relations, Vol. 4, No. 2, pp. 226-55.
56. Kinnvall. Catarina. (2004) "Globalization and Religious Nationalism: Self, Identity, and the Search for Ontological Security", Political Psychology, Vol. 25, No. 5, pp. 741-67.
57. Krolkowski,Alanna, (2008) "State Personhood in Ontological Security Theories of International Relations and Chinese Nationalism: A Sceptical View", The Chinese Journal of International Politics, Vol.2, No. 1 (2008), pp. 109-33.
58. Laing . R.D.(1960) **The Divided Self**, London: Penguin.
59. McSweeney, Bill. (1999) **Identity and Interests**, Cambridge: Cambridge University Press.
60. Mitzen, Jennifer, (2006) "Ontological Security in World Politics: State Identity and the Security Dilemma", European Journal of International Relations, Vol. 12, No. 3, pp. 341-70.

61. Nakamura, Satoru,(2013)” Saudi Arabian Diplomacy During the Syrian Humanitarian Crisis: Domestic pressure, Multilateralism, and Regional Rivalry for an Islamic State”.
http://www.ide.go.jp/Japanese/Publish/Download/Seisaku/pdf/201307_mide_13.pdf. (accessed on 7 Oct 2015)
62. Noble, Greg. (2005) “The Discomfort of Strangers: Racism, Incivility and Ontological Security in a Relaxed and Comfortable Nation”, *Journal of Intercultural Studies*, Vol. 26, No. 1–2 .February , pp. 107–20.
63. Offiler, Ben, (2015) **US Foreign Policy and the Modernization of Iran: Kennedy, Johnson, Nixon and the Shah**, New York: Palgrave Macmillan.
64. Padgett, Deborah K, (2007) “There’s No Place Like (a) Home: Ontological Security among Persons with Serious Mental Illness in the United States”, *Social Science & Medicine*, Vol. 64, No. 9 , May, pp. 1925–36.
65. Pew Research Center, (2011) “The Future of the Global Muslim Population”.
<http://www.pewforum.org/files/2011/01/FutureGlobalMuslimPopulation-WebPDF-Feb10.pdf>. (accessed on 7 Oct 2015)
66. Qaidaari, Abbas, (2015) ” Is Iran worried about IS on its border?”, *Almonitor*, June 5. <http://www.al-monitor.com/pulse/originals/2015/06/islamic-state-iran-border.html#>. (accessed on 7 oct 2015)
67. Rounds, Jay,(2006) “Doing Identity Work in Museums”, *Curator: The Museum Journal*, Vol. 49, No. 2, April, pp. 133–50.
68. Steele, Brent J,(2005) “Ontological Security and the Power of Self-Identity: British Neutrality and the American Civil War”, *Review of International Studies*, Vol. 31, No. 3, pp. 519–40.
69. Steele, Brent J,(2008) **Ontological Security in International Relations**, New York: Routledge.
70. The Carter Center,(2014) “Syria: Countrywide Conflict”, Report #3, March 14. https://www.cartercenter.org/resources/pdfs/peace/conflict_resolution/syria-conflict/NationwideUpdate_march-14-2014.pdf . (accessed on 7 Oct 2015)
71. UN. “Member States of the United Nations”.
<http://www.un.org/en/members/#i>. (accessed on 7 Oct 2015)
72. Zarakol, Ayse, (2010) ”Ontological (In)security and State Denial of Historical Crimes: Turkey and Japan”, *International Relations*, Vol. 24, No. 1, pp. 3–23.
73. Zawahiri to Zarqawi,(2005) July 9,
http://fas.org/irp/news/2005/10/letter_in_english.pdf . (accessed on 7 Oct 2015)